



برنده و بازنده یک پرونده

میانجیگری جلال طالبانی و آینده نیروهای سازمان مجاهدین

پس از چند ماه کشمکش برسر برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی و تخلف آن از پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای، با صدور قطعنامه شورای حکام آژانس بین المللی، انرژی اتمی ظاهراً منازعه به پایان رسیده است و همه طرفهای درگیر از توافق به دست آمده ابراز رضایت می کنند.

البته نحوه تنظیم این قطعنامه نیز که محصول ساخت و پاخت های پشت پرده دیپلماسی سری دولت های سرمایه داری - ست، به نحوی ست که طرفین درگیر در این مسئله از جمله، اروپا، آمریکا و جمهوری اسلامی، با محاسبه توازن قوا و وضعیت سیاسی که در آن قرار دارند، می توانند هم انعکاس منافع و نظرات خود را، بیابند و از آن ابراز رضایت کنند و هم این که در توازن قوای دیگر آن را نقض کنند و با ابراز نارضایتی، سیاستی دیگر را در پیش گیرند. به عبارت دیگر، قطعنامه، همه راهها را برای طرفین درگیر بازگذاشته است و منازعه که البته ریشه اش در مسائل دیگر است، پایان نیافته باقی مانده است.

با این همه در پی ابراز رضایت همگانی، درحقیقت امر، تنها قدرت های امپریالیست اروپایی هستند که می توانند از این توافق ابراز رضایت کامل داشته باشند.

اما ابراز رضایت جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا، ظاهری و اجباری ست. در مورد اولی کمتر و دومی بیشتر. نیازی به بازگو کردن این حقیقت نیست که جمهوری اسلامی از سال ها پیش، در صدد دست یابی به سلاح هسته ای بوده است. لااقل دولت های مهم جهان سرمایه داری که خود در فروش وسایل و تجهیزات مورد نیاز به رژیم حاکم بر ایران دست داشتند، این را به خوبی می دانستند. شبکه های جاسوسی آمریکا و اسرائیل هم از چند و چون امکانات جمهوری اسلامی آگاه بودند. تنها هنگامی که سیاست جدید آمریکا در منطقه خاور میانه در دستور کار قرار گرفت و مسئله خطر سلاح های کشتار جمعی به توجیهی برای پیشبرد این سیاست تبدیل گردید، آنگاه اطلاعات - شان را رو کردند و مخفی گاهایی را که جمهوری اسلامی برای فعالیت های پنهانی خود ایجاد کرده بود، یکی پس از دیگری برملا ساختند و آن را به صورت

صفحه ۲

سفر جلال طالبانی، رئیس وقت " شورای حکومتی عراق" به ایران، مذاکراتش با برخی سران رژیم و بالاخره سخنان اخیر وی پیرامون سازمان مجاهدین خلق، مبین این مسئله است که طالبانی، نقش میانجی گرانه ای را میان آمریکا و جمهوری اسلامی بر سر موقعیت سازمان مجاهدین خلق بر عهده گرفته است. طالبانی که در دیدارش با رئیس جمهور و وزیر خارجه جمهوری اسلامی ضمن قدرشناسی از کمک و از موضع گیری جمهوری اسلامی در به رسمیت شناختن " شورای حکومتی عراق" اظهار امیدواری کرده بود که مسافرتش به ایران، "منشاء خیر و برکت" برای دو کشور باشد و حتا گفته بود که مامضم هستیم توافقات خوب و سازنده ای در این سفر به دست آوریم، در پایان سفر خود، در یک مصاحبه

مطبوعاتی در بغداد، چنین مطرح نمود که سازمان مجاهدین خلق، عفو عمومی اعضا این سازمان منتهای رهبران آن، یکی از محور های مذاکرات وی با سران رژیم بوده است. طالبانی در این مصاحبه گفت: " آمریکا و کشور های اروپایی مجاهدین خلق را یک گروه تروریستی اعلام کرده اند و گروه های مخالف صدام حسین و بسیاری از مردم کرد عراق نیز از همکاری مجاهدین خلق با رژیم صدام آگاهند ولی اینجا مسئله انسانی وجود دارد، هزاران تن از شهروندان ایرانی اینجا موجود هستند و انتقاد ما از رهبران این سازمان است و نسبت به مردم عادی ما باید سیاست ملایمتری داشته باشیم." گرچه چارچوب دقیق قراردادهای و سخنانی

صفحه ۳

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۴)

علیه جدایی طلبی در جنبش زنان روسیه موضوع شماره پیشین بود. در این شماره نقش زنان در آستانه انقلاب موردربررسی قرار میگیرد.

به سوی انقلاب اکتبر

جنگ، شکاف بین زنان سوسیالیست و بورژوازمینیست ها را در روسیه ژرفتر کرد. بورژوازمینیست ها به همراه قطار میهن پرستان به راه افتادند. دکتر Pokrovskais اعلام نمود: " و در چنین لحظه عظیم میهن پرستانه . . . ما باید نیازهای خود را به حداقل کاهش دهیم، تحمل گرایی را کنار بگذاریم و همه چیز را در پیشگاه جامعه قربانی کنیم . . . این برای پیروزی آن برابری، که زنان مترقی سراسر جهان آرزوی تحقق اش را دارند، حائز اهمیت است." (Rothchild - گولد برگ - ص ۳۴۶). انجمن خیریه کمک متقابل نیز از طریق سازمان های داوطلبانه ای که فعالیت های پشت جبهه را پوشش می دادند، شور و اشتیاق کمتری در حمایت از تلاش های

جنگ طلبانه، از خود نشان نداد. اتحادیه حقوق برابر زنان، در اوت ۱۹۱۵ همگام با Christabel در انگلستان، فرا-خوان " بسیج زنان" متشکل از " دختران روسیه" را داد. این کمپین به منظور جلب زنان روسیه برای انجام تمام خدمات پشت جبهه سازماندهی شده بود. " این وظیفه ای است که ما نسبت به سرزمین پدری داریم و انجام چنین وظیفه ای، به ما این حق را می دهد که همپای مردان در حیات نوین روسیه پیروزمند، مشارکت داشته باشیم." (Stites - ص ۲۸۲)

اما برای زنان کارگر روسیه، این جنگ معنای دیگری جز افزایش بار بیشتر بر بار کمر شکن موجود آنها نداشت. جنگ، البته منجر به تغییراتی در اشتغال و توان اقتصادی زنان کارگر گردید. تعداد زنان شاغل وسیعاً افزایش یافت. سربازگیری عمومی، شمار مردان شاغل را در صنایع مورد بازرسی، بین سال های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۷ به میزان ۱۲/۶ درصد کاهش داد.

در همین دوره، شمار زنان، ۱۸/۸ درصد افزایش یافت. زنان در آغاز جنگ یک سوم نیروی کار را تشکیل می دادند. در حالی که در سال ۱۹۱۷ نیمه ای از نیروی کار بودند. " جنگ در آغاز موجب از هم گسیختگی و بی سازمانی کامل جنبش کارگری شد. در ۹ ماه اول جنگ در جبهه صنعتی، اوضاع کاملاً آرام بود و این زنان بودند که با

صفحه ۵

در این شماره

اخباری از ایران

خلاصه ای از اطلاعاتها

و بیانیه های سازمان

اخبار کارگری جهان

گزیده ای از نامه های رسیده

۲

۶

۴

۶

پاسخ به سئوالات

۸

معرفی کتاب

۵

## برنده و بازنده یک پرونده

پرونده‌ای بالفعل علیه جمهوری اسلامی مطرح نمودند. سرانجام راهی برای جمهوری اسلامی باقی نماند، جز این که بپذیرد، مخفیانه درتاسیسات اعلام نشده به غنی‌سازی اورانیوم وجدا کردن پلوتونیوم پرداخته است.

این مسئله با کمی تاخیر همزمان شد با حمله نظامی آمریکا وانگلیس به عراق. جمهوری اسلامی درمخمسای گیرافتاده بود که می‌بایستی راه فراری از آن جستجو کند. جمهوری اسلامی از آن رو درپی دست‌یابی به سلاح هسته‌ای بود که موقعیت خود را مستحکم کند و با آن، معامله و بده و بستان کند، والا همه دولت‌ها این را می‌دانند که سلاح هسته‌ای دیگرسلاح جنگ و پیروزی نیست. بلکه سلاح نابودی و شکست است. تنها یک بار، هنگامی که انحصار آن در دست امپریالیسم آمریکا بود، با قتل عام وحشیانه مردم ژاپن به عنوان سلاح جنگ و پیروزی به کار گرفته شد و از هنگامی که انحصار آن از دست امپریالیسم آمریکا در آمد، دیگر دورانش سپری شد و صرفا وسیله‌ای شد برای ترساندن، امتیاز دادن و امتیاز گرفتن. یابیه قول خودشان تبدیل شد به سلاحی بازدارنده.

جمهوری اسلامی که در پی دست‌یابی به سلاح هسته‌ای برای تحکیم موقعیت خود بود، با سرنگونی صدام، پیشروی‌های سیاسی و نظامی آمریکا در خاور میانه و تشدید حملات سیاسی آمریکا به جمهوری اسلامی، با این مسئله روبرو شد که دقیقا در بحبوحه وخیم‌ترین وضعیت سیاسی داخلی و بین‌المللی، هنگامی که نارضایتی مردم ایران به اوج خود رسیده است و آمریکا، جمهوری اسلامی را در محاصره سیاسی و نظامی قرار داده است، همین مسئله‌ی تلاش برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای به عاملی برای تزلزل و فروپاشی سریع تر آن تبدیل شده است. امپریالیست‌های اروپایی نیز کمتر از خود جمهوری اسلامی نگران اوضاع نبودند. امپریالیسم آمریکا با دست‌آویز خطر سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی در دست جمهوری اسلامی، توجیه مناسبی برای پیشبرد سیاست‌های خود در ایران و بیرون کشیدن بازار ایران از دست رقبای اروپایی داشت. آمریکا پس از اشغال نظامی عراق، زمینه‌سازی برای ادامه سیاست‌های خود را آغاز کرده بود، که چرخش سریع اوضاع در عراق و مقاومت رشد‌یابنده مردم، وضعیت کل منطقه خاور میانه را به نحو روز افزونی به زیان امپریالیسم آمریکا تغییر داد.

نظری به آنچه که در همین مدت کوتاه چند ماهه در منطقه رخ داده است، وخامت وضعیت آمریکا و بن‌بستی را که در آن گرفتار آمده است، نشان می‌دهد.

قرار هیئت حاکمه آمریکا بر این بود که با سرنگونی صدام، سریع‌کار عراق رلیکسره کند و میخ خود را چنان در عراق محکم بکوبد که دیگران حساب کار خودشان را بکنند. تمام منطقه خاور میانه یا "داوطلبانه" یابازور نظامی، سیاست‌هایی را که دولت آمریکا خواهان آن است به مرحله اجرا در آورد. مسئله فلسطین و

اسرائیل به نحوی که آمریکا می‌خواهد حل شود. حتا تا آنجا پیش‌رفتند که دستور برکناری عرفات را هم صادر کردند، چرا که از دید زمامداران آمریکا، عرفات بیش از آن رادیکال است که بتوان اجرای طرح را به او سپرد. هم چنین دستور نابودی تروریست‌های اسلام‌گرا نیز صادر گردید و... اما در عمل چه شد؟

به جای عراق دمکرات و آباد موعود، عراقی ویران تر از همیشه ایجاد گردید. به جای دمکراسی موعود، حاکمیت سرنیزه سربازان اشغالگر برقرار گردید. به جای تخلیه زندان‌ها، عجلالتا تعداد زندانیان به ده هزار رسیده است. به جای نجات مردم خاور میانه از شر بنیادگرایان اسلامی، بخش وسیعی از عراق، تحت حاکمیت بنیادگرایان اسلامی متحد آمریکا قرار گرفت و سرانجام این که به جای قدرت نمایی پیروزمندانه نظامی به نحوی که همه در خاور میانه حساب کار خودشان را بکنند، ارتش آمریکا، در چنان منجلاب جنگ فرسایشی و شکست‌های پی در پی گرفتار آمده است که امروز کارشان این شده است، روزمره تعداد تلفات خود را بشمارند و اخبار را سانسور کنند، تا روحیه نظامیان آمریکایی بیش از این تضعیف نشود و ابعاد شکست‌ها و تلفات بر ملا نگردد.

بعد چه شد؟ پیروزی‌های نظامی و سیاسی آمریکا در عراق چنان درخشان بود که طالبان افغان هم دوباره جرات یافت که در بخش‌هایی از افغانستان عملیات نظامی خود را از سر بگیرد و پست ایست و بازرسی هم دائر کند.

دیگر چه شد؟ تروریست‌های بنیادگرای اسلامی، حتا آن گروه که آمریکاقصد تسویه حساب با آنها را داشت به جای تضعیف تقویت شدند. آمریکا معضل دیگری هم به معضلات خاور میانه افزود. جنگ و کشتار مذهبی هم میدان عمل پیدا کرد. انفجار کنیسه‌های یهودیان در ترکیه توسط ترور -یست‌های اسلامگرا، دست آورد دیگر سیاست‌های آمریکا است. اکنون، شکست سیاست‌های امپریالیسم آمریکا و ناتوانی -های آن، چنان برجسته شده است که حتا متحد پروپاقرص همیشگی آمریکا در خاورمیانه نظیر شیوخ مرتجع سعودی هم، امروز دیگر همچون گذشته به اوامر ارباب خود توجه نمی‌کنند و گاه سازه‌های خارج از نت می‌نوازند.

نیازی به ذکر نمونه‌های دیگر برای نشان دادن شکست سیاست‌های آمریکا در خاور میانه در پی حمله به عراق نیست. برای کشوری که بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان سرمایه‌داری محسوب می‌شود و زمامداریش تا همین چند ماه پیش حتا رویای احیاء امپراتوری‌های دوران باستان را در سر می‌پروراندند، شکستی سهمگین‌تر از این نیست که رئیس‌جمهورش برای تقویت روحیه خراب نظامیان با خفت تمام نیمه‌های شب وارد عراق شود و پیش از آن که افتاب طلوع کند، از ترس، عراق را ترک گوید. اینهاست، آن واقعیت -هایی که نشان می‌دهند، چگونه چرخش اوضاع در خاورمیانه به زیان آمریکا انجام گرفت و از همین چرخش اوضاع بود که قدرت -های اروپایی، نهایت استفاده را بردند

## اخباری از ایران

### \* تداوم اعتراض و اعتصاب در پتروشیمی

اعتراضات کارگران و کارکنان پتروشیمی‌ها، همچنان ادامه دارد. روز چهارشنبه ۲۸ آبان، بیش از هزار نفر از کارگران و کارکنان پتروشیمی اراک برای هفتمین بار در سالن آمفی‌تئاتر شرکت، دست به تجمع اعتراضی زدند. در همین رابطه روز یکشنبه دوم آذر، شماری از کارگران و کارکنان پتروشیمی‌های آبادان، اصفهان، خارک و اراک، با حضور در مجلس که وزیر کشور نیز در آن حضور داشت، ضمن اعتراض به خصوصی سازی‌ها، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. آنان اعلام کردند، چنانچه به مطالباتشان پاسخ داده نشود، دست به اعتصاب خواهند زد. در ادامه این اعتراضات روز دوشنبه سوم آذر، کارگران پتروشیمی اراک بار دیگر یک تجمع اعتراضی در آمفی تئاتر این مجتمع برگزار نمودند. در این اجتماع اعتراضی که بیش از ۶۰۰ نفر شرکت داشتند، کارگران تصمیم گرفته‌اند چنان چه مسئولین نسبت به خواست کارگران همچنان بی تفاوت باشند، دست به اعتصاب غذا بزنند. آخرین خبرها حاکی از آن است که اعتصاب غذای کارگران آغاز شده است. اوضاع در سایر پترو-شیمی‌ها نیز از جمله پتروشیمی آبادان، به همین گونه است و اعتراضات کارگران ادامه دارد.

### \* تجمع اعتراضی کارگران هرمز نخ

روز یکشنبه دوم آذر، شمار زیادی از کارگران کارخانه ریسندگی هرمز نخ استان هرمزگان دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر اداره کار استان هرمزگان، خواستار ضمانت شغلی وسایر مطالبات خود شدند. شایان ذکر است که مسئولین کارخانه تصمیم گرفته اند این واحد را پس از سیزده سال، به استان قزوین منتقل کنند و کارگران را به طور دسته‌جمعی اخراج کنند. به دنبال اعتراض ۱۳۰ کارگر این واحد، سرانجام مدیر عامل شرکت و اداره کار و سازمان صنایع توافق کردند تا قطعی شدن وضعیت این ریسندگی، کارگران به سر کارهای خود برگردند.

### \* اعتصاب در ترانسفورماتور

۸۰۰ تن از کارگران شرکت ایران ترانسفورماتور شهر ری در اعتراض به نقض قرار-دادهای دسته‌جمعی، از روز دوشنبه ۲۶ آبان دست به اعتصاب زدند. کارگران نسبت به نحوه انعقاد قرارداد و تنظیم آن اعتراض نموده و در عین حال خواستار پرداخت پاداش تولید شدند. در پی وعده‌هایی که به کارگران داده شد، آنان روز چهارشنبه سر کار برگشتند اما از آنجا که این وعده‌ها عملی نشد، کارگران مجدداً دست به اعتصاب زده اند.

### \* اعتصاب در تراکتورسازی

کارگران شرکت موتورسازان تراکتور سازی

**از صفحه ۲ اخباری از ایران**

تبریز، از روز دوشنبه ۲۶ آبان دست به اعتصاب زدند. یکی از مطالبات کارگران، امنیت شغلی می باشد.

**\* اعتراض کارگران پارس ایران**

بیش از ۵ ماه است دستمزد کارگران پارس ایران واقع در استان گیلان پرداخت نشده است. کارگران در اعتراض به وضعیت شرکت، بارها دست به اعتراض زده و در برابر اداره کار، استانداری و سایر ارگانها تجمع کرده اند، اما معضلات همچنان پابرجاست و پرداخت دستمزدها دایما به تاخیر افتاده است و علاوه بر آن کارگران را در حالت بلاتکلیفی نگاه داشته اند. کارگران نسبت به این مسائل اعتراض دارند، خواستار تعیین تکلیف و پرداخت دستمزدهای معوقه اند.

**\* اعتصاب و تحصن کارگران کارخانه قند یاسوج**

کارگران بخش فنی و کشاورزی کارخانه قند یاسوج، در اعتراض به نحوه برخورد و سیاست های مدیریت کارخانه، از جمله استفاده شخصی از امکانات کارخانه، تقسیم دلخواهانه منازل مسکونی، اخراج و تهدید به اخراج کارگران، باردیگر دست به اعتصاب و تحصن زدند. این کارگران همچنین خواهان افزایش دستمزدها، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت مزایای ۴۰ درصد ایام تعطیلی کاری می باشند.

**\* تعطیلی ریسندگی و بیکاری دهها کارگر**

خبرگزاری ایلنا گزارش داد که کارخانه نساجی شهرضای جدید اصفهان تعطیل شده است. کارگران این کارخانه، بعد از آن که در سال ۷۸ مشمول تغییر ساختار قرار گرفت، به مدت دو سال تحت پوشش به اصطلاح بیمه بیکاری قرار گرفتند و کارفرما متعهد شده بود که پس از نوسازی کارخانه، کارگران را به سر کارهای خود بازگرداند. اما پس از گذشت دو سال، کارفرما با جذب کارگران قراردادی اندک و بیکاری بسیاری از کارگران را اجبارا باز-خرید نمود و زمینه اخراج کارگران با سابقه را نیز فراهم ساخته است. از ۳۰۷ کارگر این کارخانه ۱۴۰ نفر مشمول بازخرید اجباری یا قانون بازنشستگی پیش از موعد شده اند و ۱۶۷ کارگر باقیمانده به فعالیت ادامه می دادند که ناگهان با تعطیلی این کارخانه در اول آبان ماه سال جاری، این کارگران نیز از کار بیکار شدند.

**\* نامه اعتراضی**

به دنبال تعطیلی شرکت فرآورده های سیب زمینی سبلان در اردیبهیل، ۸۰ کارگر شاغل در این واحد از کار بیکار شدند. این کارگران در نامه اعتراضی خود به ایلنا، ضمن اشاره به سوء مدیریت کارخانه، خواستار روشن شدن وضعیت خود شده اند. کارگران خواستار کار و ادامه کاری کارخانه اند.

**از صفحه ۱**
**میانجیگری جلال طالبانی و ...**

که میان مقامات آمریکایی و آقای طالبانی از یک سو و سران جمهوری اسلامی از سوی دیگر، رد و بدل شده است هنوز به طور کامل روشن نیست، اما تردیدی در این مسئله وجود ندارد که این تلاش ها و ایفای چنین نقشی توسط رئیس حکومت دست نشانده آمریکا، بدون اطلاع و اجازه ارباب اصلی نیست.

البته تاجایی که به سیاست دولت آمریکا (و متحدین نزدیک وی) در قبال جمهوری اسلامی برمی گردد، این دولت برای پیش برد سیاست های خود، بسته به شرایط و موقعیت های متفاوت، از شیوه ها و اهرم های مختلفی استفاده نموده و با کارت های مختلفی بازی کرده است و بازی می کند. گاه دامنه فشارها را تشدید می کند، گاه از آن می کاهد، گاه رژیم جمهوری اسلامی را بی آنکه واقعا خواهان سرنگونی نباشد، از دچار شدن به سرنوشت رژیم صدام حسین می ترساند و هم زمان به اپوزیسیون بورژوازی سلطنت طلب و امثال آن پر وبال می دهد، گاه همان سیاست اصلی و محوری خویش (تحول از درون رژیم) را عمده می کند و کشف خود مبنی بر عدم تباین اسلام و دمکراسی را در بوق و کرنا می دمد. با این همه آنچه که در لحظه حاضر به وضوح قابل مشاهده است این است که بعد از اشغال نظامی عراق و شکست مفتضحانه سیاست های آمریکا در این کشور و به بن بست افتادن آن، از تبلیغات و تلاش های سیاسی آمریکا، پیرامون آلترناتیو سازی در برابر جمهوری اسلامی، به طرز چشم گیری کاسته شده است.

گرچه بعد از تحولات افغانستان و در جریان تشدید فشارهای آمریکا و انگلیس بر رژیم صدام حسین و فراهم سازی شرایط پیاده کردن الگوی افغانستان در عراق، مجاهدین که با بن بست مرگباری روبرو شده بودند، اندک اندک آماده می شدند خود را با بنیادهای جدید دول امپریالیستی در آلترناتیو سازی برای جمهوری اسلامی به شیوه و خواست این دولت ها، هماهنگ سازند و اصولا طرح "جبهه همبستگی" مجاهدین را که باب همکاری با سایر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون را می گشود، اعتراف به شکست این سازمان و وداع با "یگانه آلترناتیو" بود، باید در همین مقوله ارزیابی نمود- اما سرعت تحولات بعدی و مشکلات متعددی که از ناحیه اشغال نظامی عراق برای دولت ها و ارتش های اشغالگر ایجاد گردید، مجال برای این طرح باقی نگذاشت و بازی با کارت مجاهدین از چنین جایگاهی را منتفی ساخت. بنابراین این که امروز آمریکا خواهد بایند و بست با جمهوری اسلامی، در برابر امتیازات معینی که از رژیم می گیرد، امتیازاتی نیز به آن بدهد و در این میان سازمان مجاهدین را وجه - المصلحه قرار دهد و جلال طالبانی را دلال و واسطه این معامله شنیع کرده باشد، اصلا غیر محتمل و دور از ذهن نیست. گفتن ندارد که تحویل نیروهای سازمان مجاهدین خلق به جمهوری

اسلامی، تحت هر عنوان و بهانه ای ولو زیرپوشش "عفو عمومی" که جلال طالبانی وعده آن را از سران رژیم گرفته باشد، مطلقا توجیه بردار نیست و اقدامی کاملا ضد انسانی ست. روشن است چنان چه جمهوری اسلامی، رسما هم در این مورد اعلام "عفو عمومی" کند، اما به هیچ عنوان نمی توان و نباید روی چنین موضوعی حساب کرد و هیچ تضمینی در مورد سرنوشت نیرو های مجاهدین که تحویل جمهوری اسلامی می شوند وجود نخواهد داشت و بی تردید این نیروها با معضلات و مشکلات متعدد غیر قابل پیش بینی روبرو خواهند شد.

این درست است که سازمان مجاهدین که سیاست رسیدن به قدرت به هر وسیله ای را تعقیب می کرد، سرنوشت خود را تا حدود بسیار زیادی با سرنوشت صدام گره زده بود و همکاری اش با رژیم صدام حسین به ناگزیر در تخالف با اهداف و نیات مبارزین عراقی از جمله مبارزین کرد که علیه رژیم صدام حسین مبارزه می کردند، قرار داشت، اما اینها هیچکدام توجیهی برای تحویل نیرو های مجاهدین به جمهوری اسلامی نمی تواند باشد. جالب اینجاست که بحث همکاری مجاهدین با رژیم صدام حسین توسط کسی مطرح می شود که خودش در راس اتحادیه میهنی در همکاری نزدیک با جمهوری اسلامی به عنوان یکی از مرتجع ترین و خون ریز ترین رژیم های منطقه، زبان زد خاص و عام است. گروه های مخالف رژیم جمهوری اسلامی و بسیاری از مردم ایران می دانند که اتحادیه میهنی بارها و بارها، به اشکال مختلفی بر سر راه کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی و مبارز ایرانی مستقر در کردستان که علیه رژیم جمهوری اسلامی فعالیت و مبارزه می کرده اند، مانع تراشی نموده و در همکاری و ارتباط با جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفته است که علیه این نیروها دست به اقدامات خرابکارانه و مداخله جویانه زده، حتا تا خلع سلاح و بازداشت و آزار پیشمرگانی که عازم عملیات سیاسی- نظامی بوده اند، پیش رفته است.

در هر حال صرف نظر از ماهیت و عملکرد سازمان مجاهدین و به رغم هرگونه موضعی که ما نسبت به این جریان داریم معامله بر سر هزاران انسان و تحویل احتمالی نیرو های این سازمان به جمهوری اسلامی را تحت هر عنوان و بهانه ای محکوم می کنیم. ما خواهان این هستیم که این امکان بدون استثناء برای تمامی نیرو های سازمان مجاهدین فراهم شود که خودشان به طور آزادانه و مستقلانه در مورد آینده خودشان تصمیم بگیرند و به هر کشوری که می خواهند منتقل شوند.

**توضیح و تصحیح :**

در کار شماره ۲۱۷ مقاله فوروم اجتماعی اروپا و چشم اندازهای آن، صفحه یک سطر اول به جای نوامبر، "سپتامبر" و صفحه ۵ ستون ۳ دوازده سطر به آخر به جای افتتاح، "امتناع" تایپ شده که به این وسیله اصلاح می گردد.



## اخبار کارگری جهان

### \* اعتصابات کارگری در اروپا

به موازات یورش همه‌جانبه دستاوردهای مبارزاتی کارگران در اروپا، مقاومت کارگران روز به روز اوج می‌گیرد.

در اواخر سال گذشته بود که اولین امواج مخالفت طبقه کارگروپا با این تلاش‌ها چهره نمود. در کمتر از چند هفته امواج گسترده اعتصاب و اعتراض کشورهای بزرگ اروپا نظیر فرانسه، ایتالیا، اتریش، اسپانیا و یونان را فراگرفت و میلیون‌ها کارگردار اعتصابات، تظاهرات و راهپیمایی‌های خود به سرمایه داران هشدار دادند که برخلاف تصورات خوش خیالانه آنها، تاریخ به پایان نرسیده و سرمایه داران نمی‌توانند هرچه که می‌خواهند انجام دهند.

این اعتراضات در طول ماههای گذشته در اغلب کشورهای اروپایی ادامه داشت و به همین دلیل هم سرمایه داران هنوز موفق نشدند که دست درازی خود به حقوق بازنشستگی کارگران را آن طور که می‌خواهند ادامه دهند. در همین رابطه هم بود که مجدداً روز ۲۴ اکتبر کارگران ایتالیا صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان رساندند. در این روز بیش از ۱۰ میلیون نفر به دعوت ائتلافی از ۳ اتحادیه بزرگ کارگری و کارمندی پاسخ مثبت دادند و دست به یکاعتصاب ۴ ساعته زدند. در طول این ۴ ساعت، بیش از ۱۰۰ شهر ایتالیا شاهد راهپیمایی و برپایی تجمعات اعتراضی اعتصابیون بود که خواهان کوتاه شدن دست دولت از حقوق بازنشستگی و هزینه‌های رفاهی خود بودند. در اعتراضات این روز، میلیون‌ها محصل و دانشجو نیز در اعتراض به افزایش قیمت هزینه‌های تحصیل خود کلاس‌ها را تعطیل کردند و به امواج عظیم انسانی این حرکت بزرگ پیوستند. تنها در شهرهای رم، میلان، تورینو، ناپل، جنوا، پارما و ونیز بیش از ۲ میلیون نفر در خیابان‌ها راهپیمایی کرده و با تجمع در میادین مرکزی شهر، مخالفت خود با اقدامات دولت سرمایه‌داران را به نمایش گذاشتند. پس از ایتالیا، نوبت به کارگران آلمان و منطقه برلین رسید تا به تجاوز آشکار سرمایه داران به حقوق بازنشستگی و دیگر هزینه‌های رفاهی خود اعتراض کنند.

در روز اول نوامبر، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در خیابان‌های شهر برلین راه پیمایی کرده و به اقدامات دولت سوسیال دمکرات این کشور تحت عنوان Agenda ۲۰۱۰ که کاهش حقوق بازنشستگی و رفاهی کارگران به هر قیمتی را در دستور کار خود قرار داده اعتراض نمودند. از نکات قابل توجه در این حرکت، حضور هزاران کارگریکار بود که در طول ماههای گذشته اخراج شده و به صفوف بیکاران این کشور پیوستند.

### \* اعتصاب کارگران در جمهوری صربستان

روز ۱۴ اکتبر، بیش از ۱۰ هزار کارگر

مجتمع صنعتی Sartid در جمهوری صربستان دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب از جمله اعتراضات کارگری است که پس از فروپاشی یوگسلاوی علیه پروسه خصوصی سازی در صربستان طی ۲-۳ سال گذشته ادامه دارد. در این مدت بیش از ۸۸۲ کارخانه و مرکز تولیدی تحت عنوان "خصوصی سازی" با قیمتی ناچیز به سرمایه داران آمریکایی و اروپایی فروخته شد. نخستین گام پس از فروش این مراکز تولیدی هم چیز دیگری جز اخراج سازی‌های گسترده نبود و این همه تحت رهنمودهای صندوق بین المللی پول با هدف گسترش ابتکارات فردی، بخوان نئولیبرالیسم، انجام گرفت. درست یک ماه قبل از اعتصاب ۱۰ هزار کارگر مجتمع صنعتی Sartid این رشته کارخانجات عظیم نیز با قیمتی ناچیز به سرمایه‌داران آمریکایی فروخته شد. اولین اقدام مدیریت جدید نیز چیز دیگری جز طرح اخراج وسیع کارگران این کارخانه نبود. همین اقدامات بود که کار را به استخوان کارگران رساند و آنان را وادار نمود که راه مبارزه مستقیم با سرمایه داران را در پیش بگیرند. این اعتصاب وارد سومین هفته خود شده بود که این بار شهر بلگراد شاهد حضور دهها هزار کارگر در خیابان‌ها بود. در اعتصاب روز ۲۹ اکتبر کارگران خواستار توقف فوری خصوصی‌سازی‌ها و واگذاری مراکز دولتی به بخش خصوصی شدند. در این روز اعتصابیون پس از راهپیمایی در خیابان‌های شهر بلگراد، در مقابل پارلمان این کشور تجمع نموده و خواستار بازپس گرفتن و دولتی کردن مجدد مراکز تولیدی شدند که سرمایه‌داران آمریکایی و اروپایی پس از اشغال نظامی جمهوری صربستان با قیمت‌هایی ناچیز به بیگما بردند. حرکات اعتراضی کارگران در روزهای دیگر نیز ادامه داشت و روز ۳۰ اکتبر پلیس صربستان تمام راههای ورودی به شهر بلگراد را مسدود کرد و از ورود صدها اتوبوس حامل اعتصابیون به این شهر جلوگیری نمود. به رغم شرایط دشوار زندگی، کارگران صربستان اعلام نمودند که با دولت وابسته به ناتو و آمریکایی این کشور مبارزه خواهند کرد. از دیگر نکات برجسته در اعتراضات کارگران، شعارهای ضد جنگ آنان و مخالفت اعتصابیون با اعزام نیروهای نظامی این کشور به عراق بود.

### \* تظاهرات ضد جنگ و ضد بوش در لندن

روز ۲۱ نوامبر بیش از ۱۵۰ هزار تن در لندن در اعتراض به سفر بوش به انگلیس و سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و انگلیس دست به تظاهرات زدند. در این روز دانش آموزان و دانشجویان از رفتن به کلاس درس خودداری کرده و به صفوف تظاهرات پیوستند.

با این که سفر بوش تحت شدیدترین اقدامات امنیتی و گسیل حدود ۱۵ هزار نیروی پلیس ضد شورش در لندن و میلیتاریزه کردن شهر لندن صورت گرفت، اما صفوف تظاهرات در لندن به حرکت درآمدند و علیه تجاوزات امپریالیستی به شعار دادن پرداختند. شعارها از جمله عبارت بودند از: بوش، اینجا راترک کن

و بلر را با خودت ببر، به اشغال عراق خاتمه دهید. خروج نیروهای اشغالگر از عراق، یکی از خواست‌های محوری تظاهرات بود.

در این مراسم در یک اقدام سمبلیک، تظاهرکنندگان مجسمه‌های بزرگ از بوش ساخته و سپس آن را پائین کشیدند.

### از صفحه ۲

### برنده و بازنده یک پرونده

و کوشیدند ابتکار عمل را به ویژه در مورد ایران، مجدداً به دست بگیرند. قطعنامه پیشنهادی قدرت‌های اروپایی به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حاصل این ابتکار و منافع قدرت‌های اروپایی بود. در واقعیت امر، قدرت‌های امپریالیست اروپایی، لیست اروپایی، امپریالیسم آمریکا را ناگزیر به پذیرش این قطعنامه نمودند و آمریکا درحالی که درمخمسه عراق گرفتار است، راه دیگری جز پذیرش آن نداشت. منتها برای این که هم ظاهر قضیه برای آمریکا حفظ شود و هم به جمهوری اسلامی گوشزد کنند که سرنویشتش به حمایت قدرت‌های اروپایی وابسته است و پا را از گلیم خود نباید فراتر بگذارد، در قطعنامه خود نقض تعهدات در پای بندی به مفاد پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را از سوی جمهوری اسلامی شدیداً تقبیح و آن را سرزنش نمودند. به جمهوری اسلامی دستور دادند به فوریت کلیه تدابیر لازم را اتخاذ نماید، کلیه اطلاعات را در اختیار آژانس قرار دهد و اجازه دسترسی نامحدود به این اطلاعات را بدهد. بدون قید و شرط پروتکل الحاقی را امضاء نماید و ضمناً خاطر نشان ساختند، در صورت کوتاهی‌های آتی تمام انتخاب‌های ممکن را مورد بررسی قرار خواهند داد.

بنابراین منازعه برسر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، یک برنده و یک بازنده داشت. برنده در این ماجرا قدرت‌های اروپایی و بازنده آن آمریکا بود. در این بازی قدرت، جمهوری اسلامی عددی نبود که به حساب آید. آنچه که به دست آورد، تضمین مجدد حمایت از سوی اروپا بود. منازعه در واقع برسر بازار ایران بود. حقیقت این است که نه آمریکا و نه اروپا هیچیک از بابت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی نگرانی جدی ندارد. گرچه قدرت نظامی آمریکا در برابر مردم کارائی ندارد و مورد عراق هم بار دیگر آن را نشان داد، اما در مقابله با قدرت نظامی جمهوری اسلامی آن قدر قوی ست که یک شبه می‌تواند تمام تاسیسات و تسلیحات جمهوری اسلامی را با خاک یکسان کند. منازعه همانگونه که گفته شد برسر مسئله‌ای بسیار فراتر از قدرت نظامی و حتا به فرض هسته‌ای جمهوری اسلامی ست. از همین زاویه نیز می‌توان گفت که منازعه پایان نیافته است. اگر امپریالیسم آمریکا سرانجام بتواند اوضاع را در عراق تحت کنترل در آورد و توازن قوا را در منطقه به نفع خود تغییر دهد، قطعاً این منازعه از سر گرفته خواهد شد. پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی هنوز به طور قطعی مختومه اعلام نشده است.

## معرفی کتاب

در مهر ماه سال جاری، سازمان فدائیان (اقلیت) مجموعه اسناد کمیسیون تحقیق و بررسی ۴ بهمن را در کتابی با همین عنوان و در ۵۰۰ صفحه منتشر نمود. این کتاب به سه بخش تقسیم می شود: قسمت نخست شامل پیشگفتار ۲۷ صفحه‌ای است که در اردیبهشت امسال از سوی سازمان فدائیان (اقلیت) به تحریر درآمده است و در آن توضیحی پیرامون انتشار این کتاب داده شده است و به تاریخچه سازمان، سرکوب شدید در رژیم‌های پهلوی و جمهوری اسلامی، وجود گرایش‌های انحرافی درون سازمان، ضربات تشکیلاتی و پیامدهای آن اشاره شده است. یکی از این پیامدها، واقعه تاسف بار ۴ بهمن است که موضوع بررسی و تحقیق این کتاب است. پیشگفتار با ذکر شرایط سیاسی و مبارزاتی، سرکوب و تأثیرات آن، بر پیش زمینه‌های وقوع ۴ بهمن انگشت می‌گذارد تا این واقعه را در بطن شرایط و اوضاعی که تشکیلات در آن قرار داشته به بررسی بگذارد.

بخش دیگر کتاب مجموعه اسنادی است که توسط کمیسیون تحقیق و بررسی ۴ بهمن در خرداد ماه ۶۹ در جریان جلسات مشترک اکثر نیروها و گرایش‌های موجود در مقطع ۴ بهمن و پس از آن گردآوری شده بود. این کمیسیون متشکل بود از هسته اقلیت، شورایی‌علی وقت و سازمان فدائیان (اقلیت) که در آن زمان هنوز با نام سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اقلیت) فعالیت می‌کرد.

اسناد، حاوی متن پیاده شده نوارهای جلسه مشترک گروه‌های مذکور می‌باشد که در آنها افرادی که در مقطع ۴ بهمن به طور مستقیم در واقعه نقش داشتند به بازگویی، بررسی و ارزیابی مجدد از علل و انگیزه‌های آن پرداخته‌اند.

اعظم، توکل، حماد شیبانی، مصطفی مدنی و فرید به سئوالات فروغ، محسن ناهید و بهمن اعضای کمیسیون تحقیق پاسخ داده‌اند. این بخش ۴۲۱ صفحه از کتاب را تشکیل می‌دهد. این قسمت از آن جا که متن پیاده شده نوارهای جلسه می‌باشد، گرچه مطالعه مطلب را کمی سخت می‌کند اما نقطه نظرات و بررسی‌های کسانی که در این واقعه یا در بخش شورای عالی وقت یا کمیته مرکزی وقت سازمان بودند را روشن می‌سازد.

قسمت پایانی کتاب دربرگیرنده ضمیمه است. در این بخش از جمله مصوبات کنفرانس اول سازمان فدائیان (اقلیت)، بازنگری توکل به واقعه ۴ بهمن مندرج در به پیش شماره ۲ چاپ شده است.

شناسنامه کتاب:

اسم کتاب: اسناد کمیسیون تحقیق و بررسی در مورد ۴ بهمن از انتشارات سازمان فدائیان (اقلیت)

آدرس تهیه کتاب:

Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
AM Main Germany

بها: معادل ۲۰ یورو

(نسرین.ک)

-شان را از کارگران فلزکار اعلام نموده بودند. من به شدت از رفتار اعتصابیون به خاطر بی‌اعتنایی آشکار به تصمیم کمیته ناحیه ای حزب و همچنین به این علت که شب قبل از آن، من از آنها خواسته بودم آرام و منضبط باشند، دست به اعتصاب زده بودند، من فوق العاده ناراحت شدم. "بلشویک‌ها" با اکره با گسترش اعتصاب موافقت کردند. کارگران دیگر، از جمله منشویک‌ها و اس-ارها نیز به اعتصاب پیوستند. اما هنگامی که اعتصاب عمومی برپا می‌شود، باید همگان را به خیابان‌ها دعوت کرد و رهبری را به دقت در دست گرفت." (۶ روز در انقلاب فوری-ه کارپوف) در ۲۵ فوریه بعد از آن که ۲۰۰۰۰ کارگر دست از کار کشیده بودند، بلشویک‌ها، نخستین فراخوان خود را برای یک‌اعتصاب عمومی منتشر ساختند. موج وسیع اعتصابات و تظاهرات‌ها نقطه اوج سال‌ها خشم متراکم شده و انباشته بود. یکی از شاهدین عینی، این رویداد را چنین بازگو می‌کند: "زنان کارگر که در اثر گرسنگی و جنگ به تنگ آمده بودند، مانند طوفانی که با قدرت تمام هرچه را که بر سر راهش قرار دارد، جاروب می‌کند، به حرکت در آمدند. این مارش انقلابی زنان کارگر، سرشار از خشم قرن‌ها ستم، جرقه ای بود که شعله‌های عظیم انقلاب فوری، را افزون تر ساخت، انقلابی که تزاریسم را درهم کوبید." (و. هال - زنان روسیه شوروی - لندن - ۱۹۳۳ - ص ۹۱) این زنان کارگر صنایع نساجی بودند که به انتخاب نمایندگان و اعزام آنها به کارخانه‌های مجاور دست زدند و خواهان جلب حمایت آنها شدند. بدین طریق بود که انفجار انقلاب رخ داد. ترتسکی در این باره نوشت: ". . . انقلاب از پایین آغاز شد، مقاومتی را که بر سر راه سازماندهی انقلابی اش، قرار داشت، از میان برداشت، ابتکار عمل آن در دست ستم‌دیده ترین و لگدمال شده -ترین بخش طبقه کارگر، زنان نساجی قرار داشت. (ترتسکی- تاریخ انقلاب روسیه- لندن ۱۹۳۴ - ص ۱۲۲)

همین زنان بودند که سربازان را به برادری فراخواندند و آنها را متقاعد نمودند که از فرامین فرماندهان‌شان سرپیچی کنند و از شلیک بپرهیزند: "انها شجاعانه تر از مردان به سوی سربازان به حرکت درآمدند، تفنگ‌های آنها فرمان گرفتند، درخواست کردند و گاهی فرمان دادند: "اسلحه را زمین بگذارید، به ما بپیوندید" سربازان که دچار هیجان و شرمساری شده‌اند، با نگرانی نگاهی رد و بدل می‌کنند، هنوز نوسان و تردید دارند، اما سرانجام، یکی تصمیم می‌گیرد، جمعیت سربازان را به دوش می‌گیرند، مانع برداشته می‌شود. صدای هورا و سپاس در فضا طنین می‌اندازد. سربازان تسلیم می‌شوند. همه‌جا فراخوان و مجادله است. انقلاب گام دیگری به پیش برمی‌دارد." (ترتسکی-ص ۱۰۹) روزنامه پرودا در سرمقاله خود نوشت که انقلاب مدیون زنان است:

" درود بر زنان، درود بر انترناسیونال، زنان اولین گروهی بودند که در روز جهانی زن به خیابان‌ها ی پتروگراد آمدند. زنان در مسکو در بسیاری موارد، تعیین کننده نبرد بودند آنها به درون سنگر هارفتند و سربازان را متقاعد کردند که به انقلاب بپیوندند. درود بر زنان" (گولدرگ- ص ۳۵۴)

\* بخش بعد به وقایع بعد از انقلاب ۱۹۱۷ اختصاص دارد.

## مبارزه طبقاتی و . . .

شورش‌های نان، ماشه تغییرات را چکاندند. در پتروگراد، در ۶ آوریل ۱۹۱۵، هنگامی که فروش گوشت برای یک روز متوقف شد، زنان به فروشگاه‌های بزرگ گوشت بیورس بردند و گوشت‌ها را مصادره نمودند. همین ماجرا، دو روز بعد در مسکو به خاطر کمبود نان تکرار شد. هنگام توزیع نان، فرماندار نظامی در اثر پرتاب سنگ، به شدت مجروح شد. پس از آن نیز در تابستان، همین ماجرا در بازار Khitrova طوفانی برپا کرد. سال بعد از آن نیز وقایع مشابهی به وقوع پیوستند. زنان به طور وسیعی در اعتصاب شرکت کردند. اعتصاب در Ivanova\_ Voznesensk در ژوئن ۱۹۱۵ ابتدای تحت عنوان اعتصاب آرد به راه افتاد. اما یک ماه بعد مجدداً به شکل تظاهرات سیاسی با خواست پایان دادن به جنگ و آزادی کارگران زندانی از سرگرفته شد که در جریان آن ۳۰ نفر کشته شدند. همزمان با این تظاهرات در Kostroma اعتصاب برپا شد، که با سرکوب مسلحانه مواه گردید. برای قربانیان این سرکوب، یک تشییع جنازه توده‌ای برپا شد. دوباره خشم مردم فوران کرد و این بار زنان کارگر، سربازان را مورد خطاب قرار دادند و از آنها خواستند که به جای گلوله، از آنها حمایت کنند." (همانجا ص ۲۸۷)

پخش اخبار درگیری‌ها، منجر به اعتصاب سیاسی مهمی در اوت و سپتامبر شد. در اوت، ۲۷۰۰۰ کارگر در پتروگراد، دست به اعتصاب زدند و خواهان خروج گاردهای قزاق، از کارخانه‌ها و آزادی ۵ نماینده بلشویک در دوما و مطالباتی دیگر از جمله آزادی مطبوعات شدند. در اوائل سپتامبر ۶۴۰۰۰ کارگر پتروگراد با مطالبات سیاسی، دست به اقدام زدند. در مجموع، در سال ۱۹۱۵، تعداد ۹۲۸ اعتصاب برگزار شد که ۷۱۵ مورد آن اعتصابات اقتصادی بودند و ۳۸۳۵۸۷ کارگر در آنها شرکت کردند. ۲۱۳ مورد این اعتصابات، سیاسی بودند که ۱۵۵۹۴۱ نفر در آنها شرکت کرده بودند. مبارزه، در سال ۱۹۱۶ ادامه یافت. در مراسم یادبود شنبه خونین، در ۹ ژانویه ۱۹۱۶، ۵۳۰۰۰ کارگر شرکت نمودند که ۸۵ درصدشان از پتروگراد بودند. در ژانویه ۱۹۱۷ در یک گزارش پلیس چنین گفته شده بود: "مادران خانواده‌ها، خسته از انتظار در صف‌های عمومی، به ستوه آمده از نگاه فرزندان نیمه گرسنه و بیمارشان، بیش از پیش به انقلاب نزدیکند تا Messers Rodichev، Milinkov و شرکا. آنها البته خطرناک -ترند، چرا که آنها نماد اخبار مواد قابل اشتعالی هستند که تنها یک جرقه می‌تواند آن را به حریق بزرگ تبدیل کند." (همانجا صفحات ۹-۲۸۸)

این زنان کارگر پتروگراد بودند که انقلاب ۱۹۱۷ را آغاز کردند. در ۲۲ فوریه (۷ مارس) گروهی از زنان کارگر، گردهم آمدند تا به بحث در مورد سازماندهی روز جهانی زن بپردازند. V. Kainrov رهبر کمیته کارگری سن پترزبورگ حزب بلشویک، آنها را از اقدام عجولانه برحذر داشت و گفت: " در یک کنفرانس اضطراری ۵ نفره در راهرو مجتمع آریکسون در تاریخ ۲۳ فوریه با تعجب و ناراحتی از رفیق Hikifer خبر اعتصاب در تعدادی از کارخانه‌های نساجی و ورود تعدادی از نمایندگان زنان کارگر را شنیدیم که حمایت

## اخباری از ایران

### \* نامه اعتراضی

صدها تن از کارگران شرکت صنعتی مینوی خرم دره، با امضاء نامه و ارسال آن به ایلنا، نسبت به تصمیم مدیریت مبنی بر واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، اعتراض کردند.

### \* تداوم بیکار سازی ها در گیلان و مازندران

خبرگزاری ایلنا از قول دبیران اجرایی خانه کارگر در گیلان و مازندران اعلام کرد، بیش از ۴۰ درصد واحدهای تولیدی استان گیلان با مشکل جدی مواجه اند که در همین رابطه ۷۰۰۰ کارگر اخراج شده اند و ۱۰۰۰۰ کارگر دیگر در معرض اخراجند. چینی گیلان، جوراب گیلان، شرکت ببا، آلوکت، آسانسور و پله برقی گیلان، چرم گیلان، صدر ماکارونی، زربافت شمال، ترنج طلایی، سیمان تایل، آلومینیوم خزر، نساجی شمال، تن ساز، آریا موکت و... از جمله این واحدهای باشند.

در مازندران نیز بیش از ۵۰ درصد از کارخانه‌های که در آن‌ها طرح تغییر ساختار اجرا شده، تعطیل شده اند و یا در معرض تعطیلی کاملند که تولید فرش، چیت سازی به شهر، نساجی طبرستان، تخته سه لائی ساری، نساجی چوخی ساری، جین مد آمل، دوخت خزر آمل، خزر تنکابن و حریر قائم شهر از آن‌جمله اند.

### \* دستمزد کارگران راه سازی پرداخت نمی‌شود

بیش از دوماه است دستمزد کارگران شرکت صنایع راه سازی و معدن پرداخت نشده است. لازم به ذکر است که این واحد تولیدی بین سه شرکت پیمانکار تقسیم شده است و پیمانکاران نیز چند سال است کارگران را به صورت قرار دادی و در شرایط دشوار با مبالغی بسیار کمتر و پایین‌تر از نرم معمول به کار وامی دارند و در برابر اعتراض کارگران، آنها را تهدید به اخراج می‌کنند. علاوه بر این‌ها همان دستمزدهای ناچیز کارگران راهم به موقع نمی‌پردازند. تمام این مسائل و حقوق‌کشی‌ها مورد اعتراض کارگران است.

### \* اعتراضات دانشجویی

- دانشجویان دانشگاه ارومیه، در رابطه با کمبودهای آموزشی و رفاهی این دانشگاه، روز سه شنبه ۲۷ آبان دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

- به دنبال سخنرانی یک آخوند و اهانت به دانشجویان، صدها تن از دانشجویان دانشگاه زاهدان، صبح روز چهارشنبه ۲۸ آبان از ساعت یک تا دو شب در برابر مسجد دست به تجمع و تظاهرات زدند.

بعد از حضور مسئولین دانشگاه و عذرخواهی و وعده پیگیری مسئله، دانشجویان به تجمع خود پایان دادند.

### \* چند خبر کوتاه

- یک کارگر اخراجی پمپ بنزین در مهر آباد جنوبی که روز دوشنبه سوم آذر برای گرفتن حق و حقوق خود به پمپ بنزین

### گزیده ای از نامه‌های رسیده

توضیح کوتاهی برستون‌گزیده‌ای از نامه‌های رسیده، رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، به معنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار می‌باشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم می‌گیرد.

- تحریریه کار در گزینش نامه‌ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است. - نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت‌هایی از نامه‌های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکل‌های دمکراتیک دریافت می‌کند، انتخاب کرده و آنرا به چاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً به معنی تأیید مواضع نویسندگان نامه و یا تشکل‌هایی باشد. - از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند درخواست می‌کنیم نامه خود را اگر تایپ نمی‌کنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی.

\*\*\*\*\*

**هلند** - دوست عزیزم - ش. دوتا نامه که شما ارسال کرده اید، همزمان به دست ما رسید. آدرس جدید شما برای ارسال نشریه در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت. پیروز باشید.

**هلند** - دوست عزیزم - ج. نامه شما را دریافت کردیم. نشریه کار به آدرس جدید شما ارسال می‌شود. امیدواریم هرچه زودتر مشکلات شمادر رابطه با مسائل پناهندگی برطرف شود. موفق باشید.

**هلند** - رفیق ش. ب. نامه شما همراه با ۲۰ یورو جهت تمديد اشتراك نشریه کار به دستمان رسید. نشریه کار کماکان برایتان ارسال می‌شود. پیروز باشید.

**سوئد** - رفیق عزیزم - نامه شما را دریافت کردیم. در این نامه پیرامون درخواست نشریه نوشته اید که دو ماه قبل مبلغی درون پاکت گذاشته و ارسال کرده اید. متأسفانه چنین نامه‌ای به دست ما نرسیده است. پیروز باشید.

مراجعه کرده بود، خود را به آتش کشید.

این کارگر که قربانعلی خبیری نام داشت، در بیمارستان سوانح سوختگی جان خود را از دست داد و به قربانیان بی شمار نظام سرمایه داری پیوست.

- نماینده تنکابن و رامسر در مجلس که برای بازدید از روستاهای سیل زده عباس آباد به این روستا سفر کرده بود، توسط مردم گروگان گرفته شد. مردم محل نسبت به بی توجهی مسئولان اعتراض نموده و اعلام کردند مادام که به مشکلات و خسارات ناشی از سیل رسیدگی نشود، نماینده مجلس و همراهان وی را رها نخواهند کرد.

- بیش از ۵۰ واحد صنعتی در استان قزوین دچار بحران اند. از دو سال پیش بیشتر از ۲۰ واحد تولیدی تعطیل شده و هزاران کارگر در این رابطه کار خود را از دست داده اند.

### خلاصه ای از اطلاعیه‌ها

#### و بیانیه‌های سازمان

در تاریخ اول آذر ماه، سازمان با صدور اطلاعیه‌ای از اعتصاب کارگران ایران ترانسفو حمایت کرد. در این اطلاعیه خبر از اعتصاب ۸۰۰ تن از کارگران زن و مرد شرکت ایران ترانسفو داده شده است که در اعتراض به نقض حقوق کارگران از سوی کارفرما، از جمله در زمینه قراردادهای دستجمعی، نحوه پرداخت پاداش تولید و دیگر حقوق و مزایای کارگری به اعتصاب روی آورده‌اند.

در این اطلاعیه همچنین به اعتراض کارگران شرکت موتور سازان تبریز و شرکت صنعتی مینو خرمدره علیه سیاست خصوصی سازی دولت اشاره شده است.

این اطلاعیه با حمایت از مطالبات کارگران ایران ترانسفو و نیز مبارزات کارگران مینو خرمدره و موتور سازان تبریز علیه سیاست خصوصی سازی دولت، سیاست‌های فریبکارانه و ضد کارگری تشکل‌های دولتی نظیر شوراهای اسلامی و خانه کارگر را محکوم کرده است. اطلاعیه می‌افزاید این تشکل‌ها به منظور منحرف کردن مبارزه کارگران علیه خصوصی سازی، یاری رساندن به دولت و انتقال بار مشکلات بر دوش کارگران، پیشنهاد می‌کنند که سهام کارخانه‌ها به کارگران فروخته شود. آنها بدین طریق می‌خواهند، اگر کارگران پس انداز ناچیزی نیز دارند از دست آنها بگیرند و مهم‌تر این که این توهم را در میان کارگران دامن بزنند که گویا کارخانه متعلق به کارگران است.

اطلاعیه در پایان می‌گوید، این یک سیاست فریبکارانه سرمایه داران علیه کارگران است. کارگران خواهان توقف سیاست خصوصی سازی هستند نه خرید سهام کارخانه‌ها.

«کارگران پتروشیمی اراک در اعتصاب غذا به سر می‌برند» عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ نهم آذر ماه انتشار یافت.

در این اطلاعیه آمده است که کارکنان پتروشیمی اراک در ادامه مبارزات چند هفته اخیر دست به اعتصاب غذا زده‌اند. اعتصاب غذای کارکنان پتروشیمی، سه روز ادامه خواهد یافت. پس از آن چنانچه مسئولین و مقامات پتروشیمی و نفت، از پاسخ صریح برای برآورده ساختن مطالبات کارگران سرپا زدن، اقدامات شدیدتری را اتخاذ خواهند نمود. کارکنان پتروشیمی‌های اراک، اصفهان و خارک، خواستشان صریح و مشخص است. خصوصی سازی در پتروشیمی‌ها باید متوقف شود و کارکنان همچنان در استخدام شرکت ملی نفت باقی بمانند.

در بخش دیگری از این اطلاعیه گفته شده است که ایستادگی و مقاومت پیگیرانه کارگران پتروشیمی تا به امروز، مدیون اتحاد و هم‌آهنگی در مبارزه میان کارگران پتروشیمی‌های اراک، اصفهان و خارک است. تداوم این اتحاد و هم‌آهنگی می‌تواند، مقامات و کارفرمایان دولتی را به عقب نشینی وادارد.

اطلاعیه در پایان خواهان حمایت عملی و اعلام همبستگی دیگر کارگران به ویژه کارگران پتروشیمی‌های مناطق دیگر و نفت، با کارگران پتروشیمی‌های اراک، اصفهان و خارک شده است و با تأکید مجدد بر حمایت از مبارزات و مطالبات کارگران شرکت‌های پتروشیمی، از همه فعالین سازمان، کارگران پیشرو و آگاه و هر جریانی که از خواست و اهداف کارگران دفاع می‌کند، می‌خواهد، به هر وسیله ممکن صدای اعتراض کارگران را به گوش همگان برسانند و با مبارزه عملی خود به پیروزی مبارزات آنها یاری رسانند.

## پاسخ به سئوالات

به‌اربابان امپریالیست خود دلخوشی‌دهند، اما نمی‌توانستند مردم را فریب دهند. چگونه می‌توان امپریالیسم آمریکا را که سراسر دوران موجودیتش با جنگ و کشتار و اسارت و انسان‌ستیزی همراه بوده است و میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان به خاطر مقاصد امپریالیستی‌اش کشتار کرده است، نجات بخش مردم عراق یا خاور میانه معرفی کرد. مگر این حقایق برای مردم خاورمیانه فراموش شدنی‌ست که یک سر اصلی مسبب فلاکت و بدبختی کنونی آنها، قدرت‌های امپریالیست‌اند. اینان سال‌های متمادی هرچه در توان داشتند کردند، تا توده‌های زحمتکش مردم این منطقه را در جهل و ناآگاهی و انقیاد نگه دارند، سرکوب‌شان کنند، راه تحول و پیشرفت‌آنها را سد نمایند و جیب‌های خود را انباشته از سودهای کلانی سازند که حاصل رنج و زحمت میلیون‌ها انسان کارگر در این منطقه بوده است. مرتجع‌ترین و مستبدترین رژیم‌ها را در خاور میانه حاکم کردند و با تمام قوا از آنها حمایت کردند. به منظور سرکوب کارگران و کمونیست‌ها، از لاشه‌های متعفن قرون وسطایی یاری طلبیدند و اسلامگرایی را علم کردند. در هر کجا که مردم سربلند کردند با کودتا و کشتار و اسلامگرایی آنها را سرکوب کردند و حالا می‌خواهند به همین مردمان بگویند که ما آمده ایم تا نجاتتان دهیم! اما هیئات اگر توده‌های کارگر و زحمتکش با این همه تجربه ندانند که مقاصد و اهداف امپریالیسم چیست.

بدیهی بود که توده‌های مردم عراق دست رد بر سینه این "فرشتگان نجات" بزنند و در مقابل اشغال سرزمینشان به مقابله و مقاومت برخیزند. اما امپریالیست‌ها و متحدین آنها همچنان مصرند که خیر. نه تنها مخالفتی از جانب مردم عراق وجود ندارد بلکه آنها از حضور نیروهای نظامی آمریکا، انگلیس و غیره در عراق استقبال می‌کنند و اگر مزاحمتی هم برای این نیروهای نظامی پیش می‌آید، علتش این است که سوریه و جمهوری اسلامی ایران، مرزهای خود را خوب کنترل نمی‌کنند و افراد القاعده از این طریق وارد عراق می‌شوند و عملیات نظامی و انتحاری می‌کنند. اخیراً هم چون اوضاع به مرحله‌ای وخیم شده است که دیگر نمی‌توان دروغ - هایی از این بزرگ‌تر تحویل مردم آمریکا و جهان داد، می‌گویند که ۵ هزار طرفدار صدام هم در زمره این مخالفین هستند و عملیات نظامی انجام می‌دهند. این یعنی چه؟ یعنی تلاش برای سرپوش گذاشتن بر مخالفت و مقاومت جنبش توده - ای مردم عراق علیه اشغالگران و تلاش برای بی‌اعتبار کردن آن. بنابراین مقاله نشریه کار مخاطبینش فرضی نبوده است، بلکه واقعی‌اند و حی و حاضر. ازبوش گرفته تا وزیر امور خارجه آمریکا، از فرمانروایان نظامی و سیاسی آمریکا در عراق گرفته تا جلال طالبانی عضو شورای حکومت‌نشاندۀ آمریکا، تمام حرفشان همین است. اما با این حرف‌ها که نمی‌شود واقعیتی را که آنقدر بزرگ است که همه جا دیده می‌شود، کتمان کرد. تظاهرات روزمره مردم علیه اشغالگران، سنگ‌باران نظامیان، کشتن

نظامیان، عدم همکاری با اشغالگران، اعتصاب عمومی، عملیات نظامی و غیره، همگی تجلیات آشکار یک جنبش مقاومت توده‌ای است که از درون خود مردم عراق شکل گرفته است. اگر کسی هم از ابعاد توده‌ای این جنبش بی‌خبر باشد، می‌تواند حدس بزند که وقتی ۵ شهر بزرگ عراق، منطقه نظامی اعلام می‌شود، به دور دهکده‌ها سیم خاردار می‌کشند، پس از گذشت ۸ ماه از سرنگونی صدام تازه با توپ و تانک و دهها هزار سرباز و بمباران هوایی وارد شهرها می‌شوند، اوضاع بر چه منوال است. وقتی که نیروی نظامی اشغالگر، اطراف شهرها را بمباران می‌کند و با تمام قوا وارد شهرها می‌شود، آشکار است که می‌خواهد مردم را بترساند، آنها را مرعوب کند و جنبش آنها را درهم بشکند و نه ترساندن صدام و یا تعدادی افراد طرفدار او. اگر قرار می‌بود که این همه مردم، طرفدار صدام باشند، در آن صورت با می‌باید پذیرفت مردم عراق طالب دیکتاتوری و سرکوب و خفقان‌اند و یا انکار کرد که رژیم صدام، یک دیکتاتوری ارتجاعی عریان بوده است.

بنابراین به هیچ طریقی نه می‌توان مقاومت توده‌ای مردم عراق را انکار کرد و نه آن را طرفدار صدام معرفی کرد. این جنبش همان گونه که گفته شد، در اشکال متعددی از مبارزه علیه اشغالگران خود را نشان می‌دهد. مبارزه مسلحانه نیز یکی از اشکال آن است. به عبارت دیگر باید گفت که استفاده از اسلحه جزء لاینفک هر جنبش مقاومت علیه اشغالگران است. این واقعیت را تمام جنبش‌های مقاومت علیه اشغال

- گران در سراسر جهان نشان داده است. سؤال شده است که این مردم اسلحه را از کجا می‌آورند، خمپاره و موشک را از کجا می‌آورند؟ باید گفت که امروز آن قدر اسلحه در دست مردم سراسر عراق است که باید دید چه کسی اسلحه ندارد. وقتی که یک رژیم سرنگون می‌شود، مردم اولین کاری که می‌کنند، اسلحه‌ای برای خود بر می‌دارند. میلیون‌ها سلاح کوچک و بزرگ در پادگان‌ها در عراق وجود داشت که بخش زیادی از آنها به دست مردم افتاده است. مگر یک نارنجک انداز که طولش از یک تفنگ هم کوتاه‌تر است، یا خمپاره انداز و آر پی جی، سلاح‌های عجیب و غریبی هستند که مردم نداشته باشند. مگر شاهد نبودیم که در جریان انقلاب مردم ایران علیه رژیم شاه، حتی تانک‌ها به دست مردم افتادند. منتها در ایران شرایطی بود که سریعاً آنها را از مردم بازپس گرفتند، اما در عراق پس از سرنگونی صدام اوضاع در هر ریخته‌تر از آن بود که بخواهند سریعاً اسلحه را از مردم بازپس بگیرند. همین سلاح هاست که امروز علیه اشغالگران به کار می‌رود. به کار گرفتن اسلحه علیه اشغال - گران هم هیچ معنای دیگری جز مبارزه مسلحانه ندارد.

در این جا این سؤال مطرح است که آیا عملیات نظامی که علیه نیروهای اشغالگر انجام می‌گیرد، لاقلاً بخشا کار طرفداران صدام هست یا نه؟ پاسخ به این سؤال هم روشن است. آری. در مقاله نشریه کار هم به این مسئله اشاره شده بود. آنجایی که گفته می‌شود، این تمام واقعیت عملیات مسلحانه در عراق نیست، یعنی بخشی از

واقعیت است. اگر چنین است و می‌دانیم طرفداران صدام، یک گروه مرتجع‌اند، آیا بر عملیات نظامی آنها هم علیه نیروهای نظامی آمریکا، می‌توان نام مبارزه مسلحانه داد.

آری. مبارزه مسلحانه فقط دست بردن به سلاح از سوی طبقه کارگر و یا گروه و سازمان انقلابی نیست. یک گروه مرتجع هم می‌تواند برای پیشبرد هدفش به اسلحه متوسل شود و نام دیگری هم بر آن جز مبارزه مسلحانه نمی‌توان نهاد.

به همین گروه‌های مرتجع اسلامگرایی که اکنون در افغانستان در قدرت‌اند، نظری بیافکنیم. اینان چندین سال با حمایت قدرت‌های امپریالیست علیه دولت طرفدار شوروی در افغانستان با سلاح جنگیدند و آن را سرنگون کردند. نمی‌شود گفت که چون آنها مرتجع‌اند، مبارزه مسلحانه نکرده‌اند. چون اگر مبارزه مسلحانه گفته شود، به این معناست که تأیید شده‌اند. در

جریان اشغال کشورهای اروپایی توسط فاشیسم هیتلری نیز بخش‌هایی از بورژوازی، در سازماندهی مسلحانه مردم دست داشت و حتی نیروی نظامی مختص خود را تشکیل داد. بنابراین روشن است که نمی‌توان گفت آنجایی که توده‌های مردم عراق که امروز جنبش‌شان اساساً خودانگیخته است، و هنوز رهبری مشخصی ندارد، عملیات مسلحانه انجام دهند، باید بر آن نام مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران گذاشت، اما برای عملیات نظامی که طرف - داران صدام انجام می‌دهند، باید نام دیگری برگزید، چرا که اگر گفته شود مبارزه مسلحانه، به این معناست که ما یک گروه مرتجع را تأیید کرده ایم.

مشی سیاسی ما روشن است. سازمان ما با جنگ مخالفت کرد. از خواست توده‌های مردم عراق برای پایان بخشیدن به اشغال نظامی کشورشان حمایت می‌کند. با مرتجعین از هر قماش، طرفدار صدام، اسلامگرا، متحدین و همکاران امپریالیسم آمریکا و انگلیس، مخالف است و آرزو می‌کند که توده‌های کارگر و زحمتکش عراق بتوانند در بطن مبارزه‌ای که در جریان است، خود را متشکل کنند و قدرت سیاسی را در عراق در دست خود بگیرند.

### کمک‌های مالی رسیده

#### اتریش

فعالین سازمان در وین ۱۰۰۰ یورو

#### دانمارک

حمید اشرف ۵۰۰ یورو  
کونین و نینا ۵۰۰ یورو

#### سوئد

به یاد هوشنگ اعظمی ۱۰۰۰ یورو  
و سیامک اسدیان

#### فرانسه

فراهانی - ۶۳۶  
جشن اومانیته ۲۷۰ یورو

## پاسخ به سئوالات

در شماره ۴۱۶ نشریه کار، مقاله‌ای تحت عنوان "شعار مردم آمریکا: به اشغال عراق پایان دهید" سربازان را برگردانید" درج شده بود. نامه‌ای به نشریه کار ارسال شده است که رفیق نویسنده آن با برخی مواضع این مقاله مخالف است و در همین رابطه سئوالاتی نیز مطرح نموده است. در ستون پاسخ به سئوالات به مسائل مطرح شده در این نامه پاسخ می‌دهیم. ابتدا صحبت‌های نویسنده نامه را می‌آوریم:

"در کار شماره ۴۱۶، از مبارزه مسلحانه به عنوان یکی از اشکال مبارزه جنبش مقاومت مردم عراق علیه اشغال‌گران نام برده شده است که فکرمی‌کنم اشکال دارد. چرا که اولاً از این حرکات به عنوان مبارزه مسلحانه یاد کردن، به نحوی یک ارزیابی ارزشی از آن است و آن را تأیید می‌کند. دوماً- آیا کسانی که در این عملیات شرکت دارند، اعضای گارد صدام و نیروهای القاعده و سایر باندهای سرکوبگر می‌توانند جزء نیروهای جنبش مقاومت مردم باشند؟ درجای دیگری از مقاله آمده است: "لذا منتسب ساختن مقاومت مسلحانه مردم عراق به القاعده و خارج از مرزهای عراق، یک ادعای افشا شده زمامداران آمریکاست" و سپس می‌افزاید که "این باندهای وابسته به جمهوری اسلامی و غیره که همکاران آمریکاهستند و یا سایر جریان‌های اسلامی". یعنی با مخاطب فرضی مقاله جدل می‌شود که چرا مقاومت مسلحانه مردم را پای نیروهای اسلامی و بستگان جمهوری اسلامی می‌گذارید، ولی مقاله نمی‌گوید که این مبارزین مسلح که هستند، تحت چه سازماندهی قرار دارند و این موشک‌ها و خمپاره‌ها راز کجا می‌آورند؟"

در پاسخ به این سئوالات، نخست باید چند مسئله را روشن ساخت. آیا کشوری به نام عراق توسط قدرت‌های امپریالیست اشغال نظامی شده است یا نه؟ آیا در برابر این اشغال مقاومتی از سوی مردم عراق صورت می‌گیرد یا نه؟ آیا یک جنبش مقاومت علیه اشغال‌گران می‌تواند به اشکال متنوعی از مبارزه متوسل شود یا نه؟ شاید طرح چنین

سئوالاتی بی‌معنا و پیش‌پا افتاده به نظر آید، اما در واقع با پاسخ به همین سئوالات است که می‌توان در قبال مسئله‌ای به نام عراق ارزیابی داشت و موضع گرفت. از همان روزهایی که آمریکا در تدارک حمله نظامی به عراق بود، دو موضع‌گیری مختلف در قبال این حمله نظامی در سطح جهان پدید آمد. اکثریت عظیم مردم جهان که به اهداف و مقاصد امپریالیستی دولت‌های آمریکا وانگلیس از برافروختن جنگ آگاهند، به مخالفت با آن برخاستند و اقدامات جنگ طلبانه و توسعه طلبانه امپریالیست‌ها را محکوم کردند. توده‌های کارگر و زحمتکش و همه انسان‌های مترقی که این مخالفت خود را در آکسیون‌های اعتراضی گسترده نشان دادند، کمترین تردید در مورد ماهیت ارتجاعی رژیم حاکم بر عراق و دیکتاتوری عربیان صدام و بعضی‌ها نداشتند. بنابراین مخالفتشان با جنگ، کمترین شائبه دفاع از صدام نداشت. دفاع آنها از توده‌های مردم عراق بود که در نتیجه جنگ، چیزی جز کشتار، ویرانی، فقر و گرسنگی و انقیاد عایدشان نمی‌شد، واقعیتی که امروز عیان و آشکار در برابر همگان قرار گرفته است. همین مردم معترض و مخالف سیاست‌های جنگ طلبانه و امپریالیستی، امروز هم از توده‌های مردم عراق و مبارزه آنها علیه اشغال‌گران، در آکسیون‌های اعتراضی خود حمایت می‌کنند و خواهان پایان دادن به اشغال نظامی عراق هستند.

در برابر این اکثریت بسیار عظیم مردم جهان، اندک کسانی هم بودند که از جنگ دفاع کردند. نمونه‌ای از این قماش، سلطنت طلبان ایرانی و گروه‌هایی در عراق بودند که امروز شورای حکومتی دست‌نشانده آمریکاران تشکیل می‌دهند. اینان ادعا کردند که آمریکا به خاطر نیات و مقاصد بشردوستانه خود می‌خواهد جنگ را آغاز کند، خطر سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی صدام را از بین ببرد، مردم عراق را از یوغ دیکتاتوری نجات دهد و آزادی و دموکراسی را نه فقط برای مردم عراق که برای کل منطقه خاور میانه به ارمغان آورد. بنابراین اساساً بحثی از اشغال و اشغالگری و برده‌سازی استعماری عراق در میان نیست، و توده‌های مردم عراق با دسته‌های کل به استقبال فرشتگان نجات خود می‌شتابند. اینان البته با این اظهارات تنها می‌توانستند

صفحه ۷

منتشر شد:

اسناد مصوبات نشست سوم نیروهای کمونیست و چپ را روی سایت زیر بخوانید

www.ettehade-enghelabi.org

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org

**KAR**

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 418 dec 2003

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

**آلمان**  
K. A. R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071, Wien  
Austria

**دانمارک**  
I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M. A. M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A. A. A  
MBE 265  
23, Rue Lecourbe  
75015 Paris  
France

**کانادا**  
K.Z  
P.O. BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7  
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمائید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی